

# دگر اندیشی در قلمرو اقتصاد

Essays on Economics and Economists  
Ronald H. Coase  
Chicago and London: University of  
Chicago Press  
Pp. VIII, ۲۲۲, ۱۹۹۴.



○ ای. دبلیو. کوتر  
مترجم: محمدرضا معینی

بنگاه، یکی از دو مقاله سرنوشته‌ساز کووز، در ذهن وی شکل گرفت. پرسش مورد نظر کووز در آن مقاله این بود که با فرض این که در نظام بازار، قیمت‌ها منابع را تخصیص می‌دهند، چرا بنگاه به عنوان بدیل نظام بازار، یعنی به عنوان شق دیگری از ساز و کار تخصیص منابع، ایجاد می‌شود. در واقع اگر دست نامرئی می‌تواند در اقتصاد هماهنگی ایجاد کند و مجموعه متنوع فعالیت‌های اقتصادی را سازمان دهد چرا سازمانی به نام بنگاه لازم می‌آید. پاسخ کووز به این سؤال آن است که استفاده از ساز و کار بازار، مستلزم صرف هزینه است. علت آن است که یافتن قیمت مناسب، چانه‌زنی، رسیدن به توافق، تضمین توافق و... مستلزم صرف هزینه است. کووز این هزینه‌ها را هزینه‌های معاملاتی می‌نامد. هزینه‌های معاملاتی هزینه‌های استفاده از ساز و کار بازار است.

اکنون می‌توانیم به سؤالی که پیشتر مطرح شد پاسخ دهیم. داد و ستد، تخصیص شدن کارها و گسترش واقعی بازار فقط وقتی مایه رونق اقتصاد است که هزینه‌های معاملاتی کم باشد. هزینه‌های معاملاتی با نهادهای اقتصادی و غیراقتصادی مرتبطاند. بنابراین اصلاح نهادی راه بهبود هزینه‌های معاملاتی است. نهادها در کنار قیمت‌های نسبی در یک چارچوب وسیع‌تر بر تخصیص منابع تاثیر می‌گذارند. از آنجا که نهاد مفهومی غیراقتصادی است نظریه کووز حلقه گمشده اقتصاد، حقوق و احتمالاً جامعه‌شناسی را ارائه می‌کند. هرچند کووز خیلی دیر جایزه نوبل را برد، اما به حق باید وی را یکی از چند قله مرتفع معرفت اقتصادی

هرچند رد پای بحث درباره اقتصاد را حتی در آثار ارسطو هم می‌توان جست، اما باور عمومی اندیشمندان اقتصادی این است که علم اقتصاد مدرن در سال ۱۷۷۶ با انتشار کتاب معروف ثروت ملل آدام اسمیت متولد شد. اسمیت سهم بسزایی در شکل‌گیری و بسط علم اقتصاد داشت و به همین دلیل وی را به حق پدر علم اقتصاد نامیده‌اند. استعاره کمابیش متافیزیکی «دست نامرئی»، یعنی ساز و کاری که در اقتصاد هماهنگی ایجاد می‌کند؛ قیمت را تعیین می‌کند؛ منابع را تخصیص می‌دهد و عرضه و تقاضا را به تعادل می‌رساند؛ ایده اساسی اسمیت بوده است. پذیرش مفهوم دست نامرئی به معنای اولویت قابل شدن برای نظام بازار و به حداقل رسانیدن سطح فعالیت‌های دولت است. به نظر اسمیت با گسترش بازارها، تخصیص شدن مبادله و افزایش حجم داد و ستد اقتصاد، رونق می‌گیرد. در واقع جذب سودهای ناشی از داد و ستد و تجارت آزاد منشاء تولید ثروت ملل (یا به گفته جون رابینسون، ملت انگلستان!) است. اسمیت، اما، در این باره سخنی نگفت که تحت چه شرایط نهادی سودهای ناشی از داد و ستد و تجارت آزاد آن قدر خواهد بود که اقتصاد در مسیر رونق قرار بگیرد.

رونالد هازی کووز در سال ۱۹۱۰ در میدل اسکس انگلستان متولد شد. در سال ۱۹۲۹ به مدرسه اقتصادی لندن (LSE) وارد شد و بعد از دو سال تحصیل با بورس تحصیلی به آمریکا رفت. سفر علمی به آمریکا به وی امکان داد تا با اقتصاد صنعتی آمریکا از نزدیک آشنا شود. در این سفر بود که ایده اولیه مقاله «ماهیت

## چکیده

این کتاب با سخنرانی معروف کووز درباره ساختار نهادهای تولید، در مراسم جایزه نوبل آغاز می‌شود. کووز در این کتاب عقاید اقتصاددانان را در طول تاریخ علم اقتصاد بررسی می‌کند و به موضوع‌هایی نظیر دیدگاه آدام اسمیت درباره آدمی، ثروت ملل و تبارشناسی آلفرد مارشال می‌پردازد. کووز روش‌شناسی فریدمن، تمایل به ریاضی‌وار کردن افراطی علم اقتصاد، امپریالیسم علم اقتصاد و نظایر اینها را نقد می‌کند و معتقد است اهل اقتصاد به عمد از مطالعه تجربی در مورد عملکرد واقعی نظام اقتصادی و نهادهایش اجتناب می‌کنند.

پرسش موردنظر کووز این است که اگر در نظام بازار، قیمت‌ها منابع را تخصیص می‌دهند، چرا بنگاه به عنوان بدیل نظام بازار، یعنی به عنوان شق دیگری از ساز و کار تخصیص منابع، ایجاد می‌شود؟

توانایی کووز در آرایه شناخت از مسایل عادی یا به کارگیری غیرعادی تحلیل‌های استاندارد اقتصادی، اساسی‌ترین نقطه قوت اوست

کووز، علم اقتصاد معاصر را به لحاظ تمایل به «اقتصاد تخته‌سیاهی» ریاضی‌وار کردن افراطی این علم، اتکاء به مفهوم حداکثرسازی سود، اصرار بر تأثیر یک طرفه علم اقتصاد بر رشته‌های همسایه و خودداری از مطالعه تجربی درباره اینکه نظام اقتصادی و نهادهایش چگونه عمل می‌کنند، مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد

جایزه نوبل مورسی آله و جیمز بوکانان ادعاهای مشابهی مطرح کرده‌اند) هرچند کووز به نحوی شایسته یک اقتصاددان نهادگرایی جدید شناخته می‌شود تا یک اقتصاددان نئوکلاسیک، نمی‌توان وی را با اقتصاد نئوکلاسیک غریبه دانست. از بسیاری جنبه‌های مهم وی عمیقاً منتقد علم اقتصاد معاصر است، از جمله مواردی که به تیخ نقد کووز کشیده می‌شوند عبارت‌اند از: تمایل به «اقتصاد تخته‌سیاهی»؛ ریاضی‌وار کردن افراطی علم اقتصاد؛ روش‌شناسی فریدمن و دفاعی که از فروض غیرواقعی می‌کند؛ اتکاء به مفهوم حداکثرسازی سود، امپریالیسم علم اقتصاد، یعنی اصرار بر تأثیر یکطرفه علم اقتصاد بر رشته‌های همسایه و بی‌توجهی به امکان مبادله در جهت مخالف و خودداری عمدی اهل اقتصاد از انجام مطالعات دقیق تجربی در این باره که نظام اقتصادی و نهادهایش در عمل واقعاً چگونه کار می‌کنند.

علیرغم این اعلام جرم سنگین، کووز انسانی میان‌رو و معتدل است، به جز در مورد آینده تحقیقات در حقوق و اقتصاد. در وصف کووز (نیز در وصف جیمز مید) به حق گفته‌اند سرمشقی است از سنت دانش‌پژوهشی یک تنه انگلیسی‌ها. متأسفانه تحسین تمام‌عیاری که وی شایسته‌اش بود خیلی دیر انجام شد.<sup>۲</sup> فقط می‌توان امیدوار بود او سالهای سال از آن محظوظ شود.

یادداشت‌ها:

۱- Coase, Ronald H. The Firm. The Market, and The Law, Chicago: University of Chicago Press, ۱۹۸۸.

۲- The Journal of Law and Economics

۳- منظور اعطای دیر هنگام جایزه نوبل اقتصاد به کووز است

به سال ۱۹۹۲.

مارشال نوشته شده است، یعنی «پدر و مادر آلفرد مارشال» و «خانواده و آباء و اجداد آلفرد مارشال» شاهکارهایی هستند از تحقیقات تبارشناسانه. باید به علاقه شخصی‌ام در مورد سومین مقاله اذعان کنم، چرا که «انتصاب پیگو به عنوان جانشین مارشال» پاسخ محققانه و معتدل کووز به حدسی است که در مجله حقوق و اقتصاد<sup>۱</sup> زده بودم. فکر می‌کنم نسخه جدید چاپ شده آن حداقل با اشاراتی به مجادلات بعدی بر سر مساله مورد بحث همراه شده باشد.

توانایی کووز در آرایه شناخت از مسایل عادی یا به کارگیری غیرعادی تحلیل‌های استاندارد اقتصادی، قابل توجه‌ترین نقطه قوت اوست. مقاله کوتاه «بازار کالاها و بازار ایده‌ها» بهترین مثال در این مجلد است، مقاله‌ای که در آن کووز سؤال می‌کند چرا غالباً مقررات دولتی در بازار کالا مطلوب تلقی می‌شود اما در بازار ایده‌ها نامطلوب. توضیح بی‌پرده وی آن است که:

بازار ایده‌ها بازاری است که در آن اندیشمند تجارت می‌کند. این پارادوکس را می‌توان به کمک نفع شخصی و عزت نفس توضیح داد. عزت نفس اندیشمندان را به اغراق در اهمیت بازارشان سوق می‌دهد. این که سایر بازارها را باید تنظیم کرد طبیعی به نظر می‌رسد، به ویژه که بسیاری از اندیشمندان فکر می‌کنند خودشان دارند کار تنظیم را انجام می‌دهند (ص ۶۷).

البته اقتصاددانان که احتمالاً خودشان را اندیشمند تلقی می‌کنند، بر سر مساله نظارت دولتی به دو دسته تقسیم می‌شوند. کووز خود بر این باور است که بیشتر وقت‌ها نظارت در رسیدن به اهدافش شکست می‌خورد و در این روند ضرر آن بیش از فایده‌اش است. هرچند در این ادعایش تعصب نمی‌ورزد. در این جا هم مثل جاهای دیگر، دیدگاه مستقل وی درباره علم اقتصاد یکی از بزرگترین امتیازات اوست که تا حدی آن طور که خودش تصریح می‌کند، ناشی از این واقعیت است که او به عنوان اقتصاددان تربیت نشده است و به همین دلیل نیاموخته است که درباره چه چیزی فکر بکند و درباره چه چیزی فکر نکند (دو برنده دیگر

به حساب آورد. از آثار جدید کووز یکی نیز مقالاتی درباره علم اقتصاد و اقتصاددانان است که در ذیل، ترجمه مقاله‌ای کوتاه می‌آید در معرفی این کتاب به قلم ای. دبلیو. کووز از دانشگاه ناتینگهام. یادآوری می‌شود که عنوان این مقاله برگزیده کتاب ماه علوم اجتماعی است. این مجله جدید از مقالات رونالد کووز ضمیمه و مکملی است بر مجموعه مقالات قبلی وی با عنوان بنگاه، بازار و قانون.<sup>۱</sup> کتاب، با سخنرانی معروف نوبل کووز درباره «ساختار نهادی تولید» آغاز می‌شود و بدنبال آن سه مقاله می‌آید که در آن‌ها، به زبان خود کووز، برخی پرسش‌های کلی در این مورد مطرح می‌شود که اقتصاددانان چگونه به حرفه خود می‌پردازند؛ چگونه از پس مشکلات نظام اقتصادی برمی‌آیند، چگونه نظریه‌های خود را انتخاب می‌کنند، به چه نحو تصمیم می‌گیرند کدام مسایل را در حوزه رشته خود قرار دهند یا توصیه سیاستی کنند (صفحه هفت).

کووز، با آرایه دلیل، بر این باور است که دیدگاهش در مورد این پرسش‌ها با بسیاری دیدگاههای دیگر و شاید با دیدگاه اغلب اقتصاددانان متفاوت است. بخش اعظم یازده مقاله بعدی را می‌توان در زمره نوشته‌هایی در مورد تاریخ علم اقتصاد طبقه‌بندی کرد: دویمین سالگرد کتاب ثروت ملل به سال ۱۹۷۶، الهام‌بخش دو مقاله در کتاب کووز شده است: یکی «ثروت ملل» و دیگر «دیدگاه آدام اسمیت درباره آدمی»؛ چهار مقاله محصول جانبی مطالعه درازمدت کووز درباره آلفرد مارشال است (که شاید از کووز انتظار می‌رفت زندگینامه‌ای مفصل درباره او بنویسد، کار مهمی که اخیراً پیتر گروونوگن انجام داده)؛ سه مقاله شرحی هوشمندانه از اقتصاددانانی است که وی مدتها با آن‌ها ارتباط داشته است (آرنولد پلانت، دونکان بلک و جرج استیگر) و آخرین مقاله با عنوان «علم اقتصاد در مدرسه اقتصاد لندن در دهه ۱۹۳۰: نظری شخصی» [تصویری از] اوضاع و احوال مرحله‌ای مهم از دوره زندگی کووز آرایه می‌دهد. دو مقاله از مقالاتی که درباره